



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۷ فروردین ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۳ جمادی الاولی ۱۴۳۳

جلسه: ۹۱

موضوع کلی: تضاد بین احکام خمسه تکلیفیه

موضوع جزئی: کلام مرحوم آخوند

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تضاد بین احکام خمسه تکلیفیه:

بحث دیگری که در محدوده مباحث حکم شرعی مناسب است مورد رسیدگی قرار بگیرد بحث تضاد بین احکام است. تضاد بین احکام تکلیفیه یکی از مباحثی است که به طور مستقل کمتر مورد بررسی قرار گرفته است در حالی که در مواضعی از علم اصول هم تأثیر دارد که مهم ترینش بحث اجتماع امر و نهی است. مشهور بین متأخرین این است که هر یک از احکام خمسه تکلیفیه با دیگری تضاد دارد و قابل جمع نیستند، تضاد بین احکام تکلیفیه طبق نظر مشهور منحصر به وجوب و حرمت نیست بلکه بین هر یک از احکام با دیگری این تضاد وجود دارد و همان گونه که بین وجوب و حرمت تضاد است بین وجوب و استحباب هم تضاد است و همچنین بین حرمت و کراهت هم تضاد است. این مسئله با اینکه مشهور شده اما در عین حال مخالفینی هم دارد و از جمله مهم ترین کسانی که قائل به عدم تضاد بین احکام خمسه تکلیفیه هستند محقق اصفهانی و امام (ره) می باشند که این دو بزرگوار معتقدند که بین احکام خمسه تضادی نیست. محقق اصفهانی می گوید: «إنَّ حدیث تضاد الأحکام التکلیفیه و إنَّ کان مشهوراً لکنه ممّا لا اصل له»، امام (ره) هم می فرمایند بین احکام خمسه تکلیفیه تضادی وجود ندارد.

کلام مرحوم آخوند:

مرحوم آخوند تصریح می کند که بین احکام خمسه تکلیفیه تضاد است. ایشان می فرمایند: «لاریب فی أنَّ الأحکام الخمسه متضادّة فی مقام فعلیتها و بلوغها إلی مرتبة البعث و الزجر ضرورة ثبوت المنافاة و المعاندة التامة بین البعث نحو واحد فی زمان و الزجر عنه فی ذلك الزمان و إن لم یکن بینهما مضادّة ما لم تبلغ إلی تلك المرتبة لعدم المنافاة و المعاندة بین وجوداتها الإنشائية قبل البلوغ إليها»^۱، ایشان می گوید همان گونه که بین سواد و بیاض تضاد وجود دارد بین احکام خمسه هم تضاد است؛ یعنی همان گونه که سواد و بیاض نمی توانند با هم در یک جا جمع شوند بعث و زجر به یک شیء در یک زمان هم ممکن نیست و همان گونه که دیوار در آن واحد نمی تواند هم سفید باشد و هم سیاه چون بین سیاهی و سفیدی تضاد وجود دارد همچنین نمی تواند فعل و عملی مثل صلوة یا اکرام در زمان واحد متعلق بعث و زجر به طور هم زمان واقع

۱. نهاية الدراية، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲. كفاية الاصول، ج ۱، ص ۲۴۹.

شود؛ یعنی مولی هم زمان نمی‌تواند بگوید: اکرم و لاتکرم؛ چون بین بعث و زجر تضاد وجود دارد. نه تنها بین وجوب و حرمت بلکه بین بعث قوی و بعث ضعیف؛ یعنی وجوب و استحباب هم تضاد وجود دارد و همچنین بین زجر شدید و زجر ضعیف؛ یعنی حرمت و کراهت هم تضاد وجود دارد. پس گمان نشود که تضاد فقط بین وجوب و حرمت است بلکه بین همه احکام خمسہ تکلیفیه تضاد است.

نکته مهمی که در کلام مرحوم آخوند آمده و در کلام دیگران که قائل به تضاد بین احکام هستند نیامده این است که ایشان می‌فرمایند معاندت و تضاد بین احکام در مرتبه فعلیت و مرحله بعث و زجر وجود دارد اما در مرحله و مرتبه انشاء این تضاد نیست. در حالی که در کلمات دیگران مسئله تضاد بین احکام به نحو کلی بیان شده؛ مثلاً در تقریرات شیخ انصاری^۱، هدایة المسترشدين^۲ و قوانین الاصول^۳ مسئله تضاد بین احکام به نحو کلی بیان شده و گفته‌اند بین احکام تضاد وجود دارد ولی بین مراتب و مراحل حکم تفکیک نکرده‌اند. اما مرحوم آخوند در کتاب کفایة الاصول تصریح می‌کند که تضاد بین احکام در مرتبه فعلیت و بعث و زجر است؛ چون بین بعث و زجر به شیء واحد در زمان واحد معاندت تامه وجود دارد و مادامی که احکام خمسہ به مرتبه فعلیت نرسند بین آنها تضادی نیست؛ چون بین وجودات انشائی تا قبل از اینکه به مرحله فعلیت برسند تضادی وجود ندارد؛ یعنی بعث فعلی و زجر فعلی قابل جمع نیستند اما بعث و زجر انشائی قابل جمعند. پس مرحوم آخوند معتقد است به اینکه تضاد بین احکام خمسہ تکلیفیه در مرحله فعلیت است نه مرحله انشاء.

تحقیق در مسئله:

حال ما باید ببینیم آیا تضادی بین احکام وجود دارد یا خیر؟ قبل از اینکه ما به انظار مختلف اشاره کنیم و ادله تضاد و عدم تضاد را بررسی کنیم مقدّمه چند مطلب را متذکر می‌شویم:

مقدمه:

مطلب اول: مطلب اولی که باید متذکر شویم تنقیح محل نزاع است؛ یعنی ابتدا باید معلوم شود نزاع بر سر چیست؟ اینکه ما می‌گوییم بین احکام تضاد وجود دارد آیا منظور این است که مولی از ما دو چیز متضاد می‌خواهد انجام دهیم یا منظور این است که خودش کار متضاد انجام می‌دهد؛ به عبارت دیگر ما یک تکلیف محال داریم و یک تکلیف به محال؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود اکرم و لاتکرم، فرض کنید مولایی این دو جمله را به عبدش بگوید که دو تکلیف است یکی بعث و دیگری زجر و بعث و زجر هر دو نسبت به اکرام در زمان واحد است؛ یعنی هم می‌گوید اکرام بکن و هم می‌گوید اکرام نکن، اینجا ما از دو جهت می‌توانیم به این مسئله نگاه کنیم، گاهی سؤال این است که آیا مکلف قدرت بر امتثال این دو تکلیف را دارد یا خیر و آیا این دو تکلیف مقدور مکلف است یا خیر؛ یعنی در آن واحد آن کسی که مورد خطاب واقع شده هم اکرام کند

۱. مطارح الأناظر، ص ۱۳۲، سطر ۳۳ و ۳۴.

۲. هدایة المسترشدين، ص ۳۳۸، سطر ۱۵.

۳. قوانین الاصول، ج ۱، ص ۱۴۲، سطر ۱۴.

و هم اکرام نکند. روشن است که مکلف قدرت بر امتثال بعث و زجر نسبت به شیء واحد در زمان واحد ندارد و قطعاً مکلف نمی‌تواند هم اطاعت امر بکند و هم اطاعت نهی، آن هم به شیء واحد در زمان واحد که این نحو تکلیف، تکلیف به محال است.

از یک جهت دیگر هم می‌توان به همین مثال نگاه کرد و آن اینکه آیا بعث و زجر نسبت به اکرام محال است یا خیر؟ اینجا محالیت وصف تکلیف است؛ یعنی خود تکلیف و بعث و زجر هم زمان محال است؛ برای اینکه مسئله روشن‌تر شود مثال دیگری می‌زنیم که دو تکلیف در کار نباشد و یک تکلیف باشد؛ مثلاً فرض کنید اگر مولی بگوید: اجمع بین الضدین؛ یعنی بین دو ضد جمع کن، این تکلیف به محال است؛ چون از مکلف کاری را می‌خواهد که او توان انجام آن را ندارد اما در خود این تکلیف استحاله وجود ندارد و خود این تکلیف مشکل تضاد ندارد چون یک تکلیف است و آن این است که می‌گوید: بین دو ضد جمع کن؛ یعنی دو تکلیف نیست تا بخواهد مسئله تضاد مطرح شود پس می‌شود چیزی تکلیف به محال باشد ولی تکلیف محال نباشد، در همین مثال، مکلف قادر به جمع بین ضدین نیست لذا اجمع بین الضدین تکلیف به محال است اما خود این تکلیف محال نیست و دو تکلیف نیست تا بخواهد مسئله تضاد مطرح شود.

بعد از اینکه معلوم شد ما یک تکلیف محال داریم و یک تکلیف به محال آنچه که در اینجا محل بحث است مسئله تکلیف محال است نه تکلیف به محال؛ یعنی می‌خواهیم ببینیم آیا بین تکالیف و احکام خمسه تضاد که محال است محقق می‌شود یا نمی‌شود؟ یعنی بحث ما در این است که آیا بین خود تکالیف و احکام خمسه تضادی وجود دارد یا نه؛ یعنی کاری نداریم به اینکه مکلف می‌تواند بین بعث و زجر جمع کند یا خیر و آیا مکلف قدرت بر امتثال دارد یا خیر؟ این زاویه‌ای که ما از آن بحث می‌کنیم زاویه قدرت و عدم قدرت مکلف بر امتثال نیست، اینکه ما می‌گوییم آیا بین احکام خمسه تکلیفیه تضاد است یا خیر کاری به امتثال آن از ناحیه مکلف نداریم بلکه می‌گوییم بین خود دو تکلیف؛ بین خود بعث و زجر نسبت به شیء واحد در زمان واحد تضاد محقق می‌شود یا خیر؛ یعنی اگر مولی گفت اکرم و لاتکرم که بعث و زجر نسبت به شیء واحد در زمان واحد است آیا بین این دو تضاد است یا خیر؟

پس موضوع بحث ما در اینجا بعث و زجر به شیء واحد در زمان واحد از حیث عدم قدرت مکلف بر امتثال و جمع بین این دو نیست؛ چون قطعاً از این حیث جمع بین زجر و بعث مشکل دارد چون تکلیف به یک امر محال تعلق گرفته است حال چه با دو تکلیف بیان شود؛ مثلاً مولی بگوید اکرم و لاتکرم و چه با یک تکلیف بیان شود و بگوید: اجمع بین الضدین که در هر دو صورت آنچه که مشکل است این است که تکلیف به محال است و مکلف قدرت بر امتثال امر محال ندارد. لذا بحث ما در تضاد بین احکام خمسه ربطی به حیث امتثال از ناحیه مکلف ندارد تا وقتی گفته می‌شود بین احکام خمسه تضاد نیست گفته شود چگونه بین احکام خمسه تکلیفیه تضاد نیست در حالی که مکلف قدرت امتثال دو تکلیف متضاد به شیء واحد در زمان واحد را ندارد.

همان طور که گفته شد مرحوم آخوند در واقع معتقد است در مرتبه انشاء و قانون گذاری ممکن است که دو قانون متضاد نسبت به یک شیء جعل شود؛ یعنی مولی هم بگوید: «اکرم زیداً یوم الجمعة» و هم بگوید «لاتکرم زیداً یوم الجمعة» یعنی نفس جعل قانون موجب تضاد نیست. البته جعل دو قانون متضاد با قطع نظر از حکمت مولی است و ما فعلاً کاری به آن نداریم که انسان حکیم در آن واحد بعث و زجر به شیء واحد نمی‌کند، پس نفس جعل دو قانون متضاد مثل وجوب و حرمت در مرحله و مرتبه انشاء، ممتنع نیست و تضادی بین این دو وجود ندارد چون بین وجودات انشائیه تضاد نیست - البته این سخن طبق مبنای خود مرحوم آخوند است که قائل به وجود انشائی می‌باشد و گرنه به نظر ما اصل قول به وجودات انشائیه مشکل دارد و ما چیزی به نام وجود انشائی نداریم - بخاطر اینکه وجودات انشائیه هنوز به مرحله تحقق نرسیده‌اند اما در مرحله فعلیت ممتنع است و موجب تضاد است. توجه داشته باشید اینکه گفته شد جعل دو قانون مخالف در مرحله انشاء مشکل تضاد ندارد به این معنی نیست که هیچ مشکلی نداشته باشد بلکه مشکل عدم سازگاری با حکمت را دارد.

پس مطلب اول این بود که بحث ما در مورد تکلیف محال است که آیا تکلیف و بعث و زجر به شیء واحد در زمان واحد موجب تضاد است یا خیر؟ و بحث در تکلیف به محال نیست که مکلف قدرت بر امتثال آن را ندارد. همچنین گفتیم منظور مرحوم آخوند که معتقد است در مرحله انشاء تضادی بین احکام خمسہ تکلیفیه نیست ولی در مرحله فعلیت تضاد وجود دارد به چه معنی است.

بحث جلسه آینده: دو مطلب دیگر باقی مانده؛ یکی اینکه معنای تضاد چیست؟ و دیگری اینکه معنای حکم چیست؟ که بعد از روشن شدن معنای این دو باید ببینیم آیا بین احکام خمسہ تکلیفیه تضاد وجود دارد یا خیر؟ که انشاء الله در جلسه آینده به این مطلب خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»